

آفتاب طلعت

تاملی در رحلت جانشوز امام خمینی (ره)

و انتخاب حضرت آیت الله خامنه ای به عنوان رهبر انقلاب

■ مسعود عباسی جامد

در تاریخ پرمجاری انقلاب هیچ روزی مانند دوازدهم بهمن نبود که در آن مردی از دودمان پیامبران و بر شیوه آنان، با دستی پر معجزه و دلی به وسعت دریا، در میان مردمی شایسته و چشم به راه، چون آیه رحمت فرود آمد و آنان را بر بال فرشتگان قدرت حق نشاند و تا عرش عزت و عظمت پر کشید. و هیچ روزی چون چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ نبود که در آن طوفان مصیبت و عزا بر این مردم، تازیانه غم و اندوه فرود آورد. آری، در آن میقات جانشوز، ایران یک دل شد و آن دل در حسرتی گنازنده، سوخت و یک چشم شد و آن چشم در تعزیت آفتاب انقلاب گریست. در آن روز، خورشیدی غروب کرد که با طلوع آن، هزار چشمه نور در زندگی ملت ایران جوشیده بود، روحی عروج کرد که با دم روح الهی اش، پیکر ملت را جان دوباره بخشیده بود، خنجرهای خاموش شد که نفس گرمش، سردی و افسردگی را از جهان اسلام زدوده بود، لبانی بسته شد که آیات الهی عزت و کرامت را بر مسلمین می خواند و افسون یاس و دلت را در روح آنان باطل می ساخت. آن روز، روز عزای بزرگ عالم اسلام شد و سوزش آن غم، به ملت ایران منحصر نماند و در سراسر جهان هرجا که دل روشن و جان بیناری بود، مصیبت زده شد.

اما روی دیگر صحنه، یعنی فضای ملکوت جهان، در آن روز، تنها برای اصحاب بصیرت و معرفت مشهود بود. شاید چشم‌های نافذی که حجاب ملک را می گشایند و مرغ نگاه را تا ملکوت پرواز می دهند، شگفتی‌های بیش‌تر و صحنه‌های تماشایی‌تری را در آن عاشرای خمینی دیده باشند، عروج نفس مطمئنه‌ای را به قرارگاه لطف و رحمت خدا، صعود کلمه طیبه و نفس راضیه و مرضیه‌ای را به سوی حق مشاهده کرده باشند. افسوس که برای ما خاکیان از آن آیین بنان جشن ملکوتی، بارقه تسلیی نمی درخشید و جز اشک دیدگان، نمی پر آتش هجران آن قبله دل‌ها افشاندن نمی شد. اکنون چهارده سال از آن روزهای مالا مال از درد و رنج می گذرد. آن چه پس از حیات پر برکت امام در این مدت برای ایران اسلامی بیش‌ترین اهمیت را داشته، میراث عظیم و تاریخی و بی نظیر او؛ جمهوری اسلامی و سلامت و توان و شتاب و جهت گیری صحیح آن در راه و خط امام بوده است. با رحلت امام خمینی (ره) طیف وسیع دشمنان اسلام که در صفوف مقدم معارضا با جمهوری اسلامی بودند، این امید را پنهان نکردند که جمهوری اسلامی در غیاب پدیدآورنده و پروراندن خود، نیروی دفاع و رشد را از دست بدهد و چون کودکی بی صاحب احساس ضعف و درماندگی کند، یا به کلی از پای در آید و یا به ناچار به زیر دامن این و آن پناه بگیرد.

بناچار به همه این پیش فرض‌ها، نظام اسلامی رشد و کارایی خود را در این مصیبت و ابتلای عظیم الهی نشان داد و ملت عالی قدر و مسئولان دلسوز آن، به پادش صبر بر این مصیبت عظیم، که استحقاق درود و رحمت حق را یافتند و به کمک خداوند و توجهات حضرت ولی الله الاعظم (عج) توانستند با گشودن گره‌هایی که به طور طبیعی در صورت ارتحال امام پدید می آمد، از امتحان بزرگ سربلند بیرون آیند و نه فقط از حرکت بلکه از حیات و نشاط باز نمانند. و با نشان دادن کارآمدگی و حکمت و سرعت عمل، اعتبار خود را مضاعف ساختند.

درست در آن هنگام که از حادثه ارتحال امام، نفس دنیا در سینه اش حبس شده و خواب از چشم دوست و دشمن در سطح جهان گرفته شده بود؛ ایران اسلامی نمایشی قهرمانانه داد و با عنایات خداوندی، مشکل‌ترین آزمون خود را با سرفرازی طی کرد و کشتی انقلاب از گردابی خطیر، با آرامش و اطمینان عبور کرد و این خود آیت دیگری از شمول الطاف الهی بر ملتی شد که قدم

در راه خدا نهاده و به نصرت او قیام کرده بودند.

انتخاب رهبر و جانشین برای آن عبد صالح و رهبر فرزانه، مسئله‌ای نبود که بتوان به سادگی برگزار نمود، چرا که دشمنان انقلاب به این موضوع بسیار امید بسته و مترصد فرصتی بودند که باتوجه به خلاء رهبری به نیت پلید و شوم خود برسند؛ ولی با درایت و هوشیاری این ملت بیدار دل در انتخاب مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای به جانشینی و هدایت گری ملت ایران، نه تنها مشکلی ایجاد نشد که ضربه‌ای دوباره پس از ضربه پیروزی انقلاب اسلامی بر دشمنان انقلاب وارد آمد.

به واقع حادثه‌ای که می پنداشتند انقلاب را در هم خواهد پیچید، به انقلاب اوج و حیاتی دو چندان بخشید و ملت سرافراز ایران با انتخاب شایسته، تمام امیدهای واهی دشمنان قسم خورده انقلاب را نقش بر آب کرد. طلوع رهبری امام راحل و در ادامه آن، زعامت حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبر و مقتدای مسلمین و ملت نستوه و مقاوم ایران، به راستی تداعی کننده این کلام معصوم (ع) است که فرمود: «زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نخواهد ماند.»

با گذشت سالیانی چند از حادثه رحلت امام عظیم الشان و انتخاب آگاهانه حضرت آیت الله خامنه‌ای توسط خبرگان ملت، شاهد و ناظر آن هستیم که در این مدت؛ حوادث و اتفاقات گوناگون و عذیده‌ای به وقوع پیوسته است که بایدار دلی، آگاهی و کیاست مقام معظم رهبری، همه توطئه‌های خرد و کلان بیگانگان، یکی پس از دیگری مضمحل شده و تنها روسیاهی و خواری برای بدخواهان باقی مانده است. حوادثی چون حمله عراق به کویت و اشغال کشوری که سال‌ها در طول جنگ با ایران، از عراق حمایت کرده بود، هجوم آمریکا و متحدانش به عراق و آزادسازی کویت، ماجرای ۱۱ سپتامبر و در ادامه آن حمله آمریکا به افغانستان، هجوم گسترده آمریکا، انگلیس و هوادارانشان به ملت مظلوم عراق و ساقط نمودن حکومت دیکتاتوری صدام و سرانجام ترسیم سیاست خارجی و راهنمایی‌های هوشیارانه ایشان به مسئولان در خصوص حل معضل بیکاری و فقر، معیشت مردم و تاکید معظم له در ایجاد نهضت خدمت و کمک رسانی به مردم و توسل و توجه به ائمه اطهار (ع) در رفتارها و زندگی و ده‌ها رهنمود و دیدگاه دیگر که حاکی از عمق نگاه و توجه ایشان به مسئله رهبری ملت اسلامی است.

بیان نظرها، موضع‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های آگاهانه و مقتدرانه مقام معظم رهبری، با عنایت به حساسیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد عصر حاضر، حقیقتی است که هیچ‌گاه دشمنان از آن خشنود نبودند و انتخاب این شاگرد خلف امام راحل به رهبری، همواره چون خاری در چشم معاندان بوده است که بارها گفته‌اند او همچون خمینی است.

به گمان آنان، رفتن امام مساوی بود با خاتمه انقلاب؛ ولی هرگز این گونه نبود و ترسیم خطوط کلی نظام توسط مقام معظم رهبری براساس مواضع امام راحل (ره) در همه زمینه‌ها، کورسوی امید هر آن کسی را که خیال می کرد ایران بی صاحب مانده است، هزم و نابود کرد.

اینکه که در شانزدهمین سالگرد عروج عارفانه امام راحل قرار داریم، خدا را شاکریم که عطر و شمیم روح افزای ولایت و رهبری، هنوز جان تشنه ایران و ایرانیان را می نوازد و نزدیک است که این پدیده الهی قرن، تحت رهبری عزیز دل‌هایمان و رهبر فرزانه و آگاه انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای، به انقلاب موعود حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء پیوندد و تعبیر آیه «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض» گردد.



● او، رهبر و پدر و معلم و مراد و محبوب ملت ایران و امید روشن همه مستضعفان جهان و به خصوص مسلمانان بود. او، عبد صالح و بنده خاضع خدا و نیایشگر گریان نیمه شب‌ها و روح بزرگ زمان ما بود.